

دود جدایی موسیقی و سینمای کودک

به چشم بچه‌ها می‌رود

از مجموع آلبوم‌های موسیقی تولید شده در شش ماه نخست امسال فقط ۲/۵ درصد مختص کودکان است



«خواهران غریب»، «خونه مادر بزرگه» و «قای حکایتی» جزو آثار موفق تلویزیونی و سینمایی هستند که هر کدام در کنار

داستان‌های خاطر‌ه‌انگیز، موسیقی‌های ماندگاری نیز دارند. اما چرا رابطه موسیقی کودک و سینمای کودک اکنون به جدایی رسیده است؟ بهرام دهقانپار، از جمله هنرمندان حوزه موسیقی است که سابقه تولید کرده و اکنون بیش از سه دهه در اوج تلویزیون دارد. یکی از آثاری که دهقانپار خود قرار داد، آلبوم مجموعه «خونه مادر بزرگه» است. این موسیقیدان در خصوص چرایی کم شدن کیفیت موسیقی کودک در تلویزیون و سینمایی می‌گوید: «اثر نمایشی که تولید و سپس دیده شود، در عین حال که جذابیت‌های تصویری مورد نیاز را دارا باشد و توسط کادر حرفه‌ای ساخته شده باشد، طبیعتاً برای متخصص است.»

آذر سنی‌ا با اشاره به اینکه موسیقیدان در کار برای کودک و نوجوان باید به «قابل درشت بودن موسیقی برای کودک» توجه داشته باشد، می‌گوید: «پنج‌پنجگی‌هایی که به مرور زمان در موسیقی کودک نمود پیدا می‌کند، باید به گونه‌ای مطرح و آموزش داده شود که برای کودکان و نوجوانان قابل درک باشد تا آنجا که موجب گرایش و ترغیب و تشویق آنها بشود و به دنبال هنرهای پیشرفته و سطح بالایی موسیقی باشند و قدرت درک داشته‌باشند و همین پایه تربیت شوند.» بهرام عرب‌وند، دیگر موسیقیدانی که در حوزه موسیقی کودک مشغول فعالیت است، معتقد است: «در حال حاضر تعداد فعالان موسیقی کودک و آهنگسازان شناخته شده در این زمینه انگشت‌شمارند که به طور حتم آسیب جدی به این حوزه وارد می‌شود.»

■ قطع شدن ارتباط موسیقی و سینمای کودک
نگاهی به سال‌های نه‌چندان دور نشان می‌دهد رابطه مستقیمی میان سینمای کودک و موسیقی کودک وجود داشته است و اکثر آثار موفق سینمای کودک و حتی آثار تلویزیونی کودک و نوجوان دارای موسیقی‌های ماندگاری برای گروه سنی کودک بوده‌اند. «کلاه قرمزی»، «گلپار» و «مدرسه موش‌ها» (سریال عروسکی تلویزیونی) و «شهر موش‌ها» (فیلم سینمایی به کارگردانی محمدعلی طالبی)،

طریقی پر کنند؛ به همین دلیل ناخودآگاه سطح کیفی آثار تنزل پیدا کرد. از طرفی گاهی به دلیل کمبود بودجه، تهیه‌کنندگان مجبور هستند با هزینه پایین از افرادی که تجربه کمتری دارند و یا در جست‌وجوی کار هستند، دعوت به همکاری کنند زیرا طبیعتاً افراد حرفه‌ای دستمزد بالاتری می‌گیرند. «وی مسائل اقتصادی را در کاهش کیفیت موسیقی کودک بی‌تأثیر نمی‌داند و تصریح می‌کند: «مهروزه به علت شورش اقتصادی، آهنگسازی که تجربه کمتری دارند و دستمزد پایین دریافت می‌کنند، باید حداقل ۱۰ پروژه را به انجام رسانند تا بتوانند زندگی خود را در طول یک سال با آن درآمد سپری کنند.

همچنین برخی از آهنگسازان که در آمد کمتری طلب می‌کنند شاید مجبور شوند زندگی خود را در بیاورند. در نهایت چنین حالتی می‌تواند در کیفیت کاری آهنگساز تأثیر گذار باشد.»

■ راه‌سازی موسیقی کودک به پنهان‌سختی‌ها
ساخت موسیقی کودک سخت‌ است، ساخت موسیقی کودک نیازمند نیروی متخصص است، ساخت موسیقی کودک نیازمند توجه و سرب‌ماه‌گذاری تهیه‌کننده آثاری سینمایی و تلویزیونی است. تا اینجا کار هیچ چیز به نفع موسیقی کودک نیست. در این شرایط آثاری در سینمای کودک تولید می‌شود که عملاً موسیقی آن برای گروه سنی کودک مناسب نیست و محتوای آن موسیقی اغلب همان موسیقی بزرگسال است که از سوی کاراکترهای فانتزی برای کودکان خوانده می‌شود یا آنکه عملاً کودک



ساخت موسیقی کودک نیازمند نیروی متخصص است، ساخت موسیقی کودک نیاز مند توجه و سسر‌ما به گذاری تهیه‌کننده آثاری سینمایی و تلویزیونی است. تا اینجا کار هیچ چیز به نفع موسیقی کودک نیست

فرهنگی

موسیقی کودک مانند سینمای کودک، شرایط خوبی را پشت سر نمی‌گذارد، حتی آثار سینمای کودک از موسیقی گروه سنی بزرگسال استفاده می‌کنند، این در حالی است که در چند دهه پیش ارتباط قوی بین سینمای کودک و موسیقی کودک باعث خلق آثار ماندگار سینمایی و تلویزیونی شد که موسیقی متن آنها هنوز هم در خاطر مردم باقی مانده است. ■■■■

دفتر موسیقی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آماري از صدور مجوزهای آلبوم‌ها و تک‌آهنگ را در سال جاری منتشر کرده است، که مرور آن می‌تواند وضعیت موسیقی کودک را در فضای موسیقی کشور به نمایش بگذارد.

بر اساس آمار وزارت ارشاد، در شش ماه نخست سال جاری (از فروردین تا پایان شهریور ۱۴۰۰) مجوز ۱۷۷ آلبوم و ۲ هزار و ۲۶۹ تک‌آهنگ صادر شده است.

در بخش موسیقی سنتی ۲۲ آلبوم و ۱۰۹ تک‌آهنگ، موسیقی پاپ ۱۲۷ آلبوم و هزار و ۶۶۶ تک‌آهنگ، موسیقی کلاسیک ۲۲ آلبوم و ۵۶ تک‌آهنگ مجوز انتشار دریافت کرد. همچنین موسیقی نواحی ۳۶ آلبوم و ۸۹ تک‌آهنگ، موسیقی تلفیقی ۴۴ آلبوم و ۳۴۴ تک‌آهنگ و موسیقی کودک چهار آلبوم و پنج تک‌آهنگ از دفتر موسیقی مجوز انتشار گرفتند. این آمار می‌تواند مبنای مقایسه‌ای خوبی برای اهمیت موسیقی کودک در مقال تولیدات موسیقی ایران در مقایسه با موسیقی بزرگسال باشد به طوری که از ۱۷۷ آلبوم موسیقی منتشر شده تنها چهار آلبوم متعلق به گروه سنی کودک است به عبارت دیگر ۲/۲۵ درصد از آلبوم‌های منتشر شده برای کودکان است. این رقم پایین در مقایسه با جمعیت کودک و نوجوان که ۲۴ درصد از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، نشان‌دهنده عمق عقب‌افتادگی موسیقی کودک از نیاز بازار است. البته سال ۱۴۰۰ در مقابل مدت مشابه سال ۹۹ یک پیشرفت به شمار می‌رود زیرا در آن دوره از ۱۵۵ آلبوم منتشر شده فقط دو آلبوم مختص موسیقی کودک بوده است.

■ موسیقی کودک سخت است!

مهدی آذر سینا، موسیقیدان که سال‌ها در زمینه موسیقی کودک کار کرده است، می‌گوید: «از وضعیت نشر در این حوزه چندان مطلع نیستم اما به نظر من آثاری که اختصاص به کودک دارد باید به درستی بررسی و پژوهش شود چه لحاظ موسیقی و چه شعر، در واقع دست‌اندرکاران این ژانر از موسیقی باید با توجه به شرایط سنی کودک و زمینه رشد و تعلیم و تربیت او جنبه‌های تأثیر گذار در شخصیت کودکان را در نظر داشته باشند و با همین نگاه برنام‌ریزی‌های درستی در جهت آموزش و تألیف آثار برای کودکان در نظر گرفته شود و البته ناگفته نماند بر پرداختن به هر کدام از این عوامل نیاز به کارشناس متخصص است.»

آذر سنی‌ا با اشاره به اینکه موسیقیدان در کار برای کودک و نوجوان باید به «قابل درشت بودن موسیقی برای کودک» توجه داشته باشد، می‌گوید: «پنج‌پنجگی‌هایی که به مرور زمان در موسیقی کودک نمود پیدا می‌کند، باید به گونه‌ای مطرح و آموزش داده شود که برای کودکان و نوجوانان قابل درک باشد تا آنجا که موجب گرایش و ترغیب و تشویق آنها بشود و به دنبال هنرهای پیشرفته و سطح بالایی موسیقی باشند و قدرت درک داشته‌باشند و همین پایه تربیت شوند.» بهرام عرب‌وند، دیگر موسیقیدانی که در حوزه موسیقی کودک مشغول فعالیت است، معتقد است: «در حال حاضر تعداد فعالان موسیقی کودک و آهنگسازان شناخته شده در این زمینه انگشت‌شمارند که به طور حتم آسیب جدی به این حوزه وارد می‌شود.»

■ قطع شدن ارتباط موسیقی و سینمای کودک
نگاهی به سال‌های نه‌چندان دور نشان می‌دهد رابطه مستقیمی میان سینمای کودک و موسیقی کودک وجود داشته است و اکثر آثار موفق سینمای کودک و حتی آثار تلویزیونی کودک و نوجوان دارای موسیقی‌های ماندگاری برای گروه سنی کودک بوده‌اند. «کلاه قرمزی»، «گلپار» و «مدرسه موش‌ها» (سریال عروسکی تلویزیونی) و «شهر موش‌ها» (فیلم سینمایی به کارگردانی محمدعلی طالبی)،

آهنگسازان و موسیقیدانانی است که این نگاه و ظرافت را در مواجه با موسیقی کودک داشته باشند و بدانند موسیقی کودک محصولی فقط برای تفنن و گذران اوقات کودکان نیست.»

عرفان پور ادامه می‌دهد: «متأسفانه خیلی از مه‌د کودکان‌ها و مدارس برای سرگرم کردن بچه‌ها از موسیقی‌های نامناسب و فقط برای تفریح بچه‌ها بدون در نظر گرفتن تأثیرات مخرب این گونه موسیقی‌ها استفاده می‌کنند در صورتی که موسیقی حتی موسیقی در گونه بی‌کلام خودش حامل معنایی است که اگر سن‌جیده نباشد و استفاده از نت‌ها استفاده دقیقی نباشد و ظرافتی پشت هر نت نیفته نباشد مانند این است ماشی‌ه داستانی را تحویل مخاطب دهیم که پر از آشفتگی و بی‌نظمی و پر از ضعف هنری و فنی است و باعث آسیب رساندن به کودک می‌شود و آرامش او را برهم می‌زند و به طور یقین بعد از چند سال تأثیر بد خودش را نشان می‌دهد.»

مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری تأکید می‌کند: «همیشه یک جنبه‌ای از موسیقی کودک تفنن و سرگرمی کودک و یک جنبه دیگر تعلیم بوده؛ در اکثر آلبوم‌های موسیقی کودک بحث آموزش جدی است ما هم در این آثار هم نگاهی به موسیقی تعلیمی داریم و هم نداریم. از این جهت نداریم که سعی کردیم نامان به موسیقی تعلیمی، کلیشه‌های نباشد و مستقیم گویی‌های بسیار در کارها نباشد و از آموزش‌های سطحی فاصله داشته باشد چرا که بسیاری از آموزش‌ها امروزه برای کودکان هفت ساله رایج‌های پنج ساله هم می‌فهمند و شاید نیازی به آموزش آن مسائل دیگر نداشته باشند. به نظرم این مطلب خیلی جدی است که ما هم سعی کنیم در کل مسیر، کودک را جدی بگیریم و او را صغیر، کم‌دانش و نیازمند آموزش‌های ابتدایی نبینیم.»

■ چرا سرود مغفول مانده است؟!

آمارها نشان می‌دهد تولیدکنندگان موسیقی علاقه‌ای به تولید آلبوم ویژه کودکان ندارند و حتی سخت بودن تولید اثر برای گروه سنی کودک باعث شده تا موسیقیدان‌ها کمتر سراغ کار برای کودکان بروند ولی از آن سو موسیقی کودک دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان به راحتی به آن پرداخت. یکی از راه‌های پرداخت به موسیقی کودک، ترویج سرود است. دکتر سیمای فردوسی، روانشناس، می‌گوید: «وقتی ما راجع به سرود صحبت می‌کنیم، درباره اشعاری صحبت می‌کنیم که در فرم، محتوا، قافیه و معنا حاوی ارزش هستند. طبیعتاً سرودی که این مؤلفه‌ها را داشته باشد، معادار است و تأثیر فراوانی روی شناخت و رشد کودک دارد. موسیقی مبتدل و اشعار بی‌معنا تأثیر بسیار مخربی روی کودکان دارد؛ بنابراین شعرخوانی و سرودخوانی می‌تواند تأثیر بسیار مهمی هم در کوتاه‌مدت و هم درازمدت داشته باشد.»

این روانشناس می‌افزاید: «چه‌ها خیلی از میلاد عرفان‌پور، مدیر مرکز موسیقی حوزه هنری، باهشدار درباره موسیقی‌های سخیف که در دسترس کودکان قرار می‌گیرد، می‌گوید: «وقتی ما از موسیقی‌های سخیف و کم‌مایه صحبت می‌کنیم منظورمان آن گونه از موسیقی‌هاست که روان کودکان را مخدوش می‌کند. نوع تنظیم‌ها و استفاده از موسیقی آن قدر ناشاینه و به قدری مبتذل و سهل‌انگاره است که به هیچ عنوان کاری با سلامت روانی کودکان و آرامش کودکان ندارند. موسیقی‌هایی که اگر خودمان هم گاهی جای می‌شویم پس از دقایقی کوتاه دچار سردرد می‌شویم حلال کودکی که این آثار را می‌شنود و سواد موسیقایی هم ندارد قطعاً بسیار آسیب می‌بیند. نگاه ما از این جهت بیشتر متمرکز به استفاده از

قانون اعطای مدرک به حافظان قرآن، موجبات برانگیختن آنان برای تحصیل و متمرکز شدن در مباحث مرتبط با قرآن و همچنین انتفاع بیشتر ایشان از بصر عمیق کلمات خداوند را فراهم کرده است.

از امتیازات قابل توجهی که برای حافظان قرآن کریم در نظر گرفته شده، امکان شرکت در کنکور ارشد علوم قرآن و حدیث، بدون گذراندن دوره کارشناسی این رشته در دانشگاه است.

طیبق علوم مصّوّب، حافظان قرآن پس از اخذ مدرک درجه ۳ سازمان تبلیغات اسلامی از طریق آزمون حفظ کلّ (در دو مرحله شفاهی و کتبی)، مجاز به شرکت در کنکور ارشد علوم قرآن و حدیث خواهند بود.

این داوطلبان پس از شرکت در کنکور ارشد، در صورت کسب امتیازی معادل یک‌سوم نفر اول، از سوی وزارت علوم، مدرک «کارشناسی علوم قرآن و حدیث» را دریافت کرده و چنانچه قصد ادامه تحصیل و ورود به دوره ارشد رشته مذکور را داشته باشند، لازم است مجدد در کنکور ارشد شرکت نموده و با توجه به رتبه حاصل آمده، نسبت به انتخاب رشته و دانشگاه اقدام کنند.

اما پس از ورود به دانشگاه، چه چالش‌ها و مسائلی پیش روی این افراد قرار می‌گیرد؟ چه محاسن و فرصت‌هایی در این مسیر برای این دسته از حافظان وحی، وجود دارد؟ آیا این دانشجویان فرصت برابر رشد تحصیلی نسبت به دیگر دانشجویان را خواهند داشت؟

سپیده‌مردابیان، حافظ قرآن و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم حدیث دانشگاه تهران، در مطلب پیش رو درصدد بررسی پرسش‌های فوق و دستیابی به پاسخ‌های مناسب، از رهگذر تجربیات شخصی خودش بوده که در کنار ارزیابی برخی نظرسنجی‌ها و بررسی‌های انجام شده، صورت پذیرفته است. به‌طور معمول حافظانی که از مسیر حفظ قرآن وارد دانشگاه می‌شوند، دوره کارشناسی را به صورت آکادمیک گذرانده و ورود به مقطع ارشد، اولین تجربه تحصیلات دانشگاهی آنها به‌شمار می‌رود، همچنان که بسیاری از این دانشجویان، در سنین پایین‌تری نسبت به همکلاسی‌های خود قرار داشته و از اثرات طبیعی این موضوع، وجود تجربه کمتر ایشان نسبت به سایر دانشجویان هم‌دوره است. ضمن این‌که مقطع ارشد، ویژگی‌های خاصی دارد و دانشجویان را با چالش‌هایی همچون تحقیقات پژوهش‌های گسترده، نگارش مقاله و در آخر نیز با پایان‌نامه‌نویسی روبه‌رو می‌کند و ورود می‌دود، پیشینه آکادمیک حافظان به این فضا، کار آنان را با دشواری‌های بیشتری همراه می‌سازد.

علاوه بر آن، این دسته از دانشجویان معمولاً به جهت عدم برخورداری از سابقه علمی و پژوهشی، نگرانی‌های بیشتری در مقایسه با دیگر دانشجویان هنگام تحصیل دارند.

عدم تسلط کافی به ادبیات عرب، مشکل دیگری است که آنها را در این دوره با دشواری تر ترجمه کتب و متون مورد نیاز مواجه می‌سازد چراکه پیش از این فرصت کافی برای فراگیری این دانش مهم را نداشته، در نتیجه توجه خویش را معطوف به سایر

دروس کرده‌اند؛ پس از ورود به مقطع ارشد نیز به دروس مرتبط با ادبیات عرب (از جمله صرف، نحو و…) به‌طور تخصصی پرداختن نمی‌شود؛ زیرا پیش‌فرض آن است که دانشجوی در دوره کارشناسی این دانش را با خوبی فرا گرفته است. گذشته از موارد یاد شده، کوتاهی بازه زمانی دوره کارشناسی ارشد نیز معضل دیگری به‌شمار می‌رود که البته در نتیجه تجربه دانشجویان حافظ در تحصیلات دانشگاهی، این زمان کوتاه فرصت کافی برای کسب تجربه علمی و پژوهشی را برای ایشان فراهم نمی‌آورد؛ لذا ایشان ناگزیرند به سرعت با اقتضانات و محیط دانشگاه و دوره ارشد، آشنایی پیدا کرده و همگام با سایر دانشجویان حرکت کنند.

■ فرصت‌ها و محاسن

گذشته از همه آسیب‌ها و مشکلات، نمی‌توان از فرصت‌های خوب این شیوه تحصیلی و مزایای منحصر به فرد آن چشم‌پوشی کرد ضمن این‌که خودآشنایی و کسب عوامل مهمی همچون آسپ‌های روانی و انگیزه و تلاش مضاعف، می‌تواند فرصت تبدیل کرد.

این نکته را نیز باید متذکر شد که کاستی‌ها و ضعف‌های احتمالی حافظان به واسطه دروس پیش‌نیازی که دانشگاه برای آنها در نظر می‌گیرد، تا حد زیادی مرتفع خواهد شد. قانون اعطای مدرک به حافظان، موجبات برانگیختن آنان برای تحصیل و متمرکز شدن در مباحث مرتبط با قرآن و همچنین انتفاع بیشتر ایشان از بحر عمیق کلمات خداوند را فراهم کرده است.

نکته حائز اهمیت دیگر در رابطه با این بحث، این است که حافظ قرآن کریم بودن می‌تواند عامل بسیار مهمی در فهم بهتر و دقیق‌تر مطالب حوزه الهیات (که ارتباط تنگاتنگی با قرآن دارند) باشد به این علت که داشتن آشنایی و نگرشی جامع می‌تواند به نفع هر دو گروه باشد و ضمن رونق سینمای کودک، زمینه شکوفایی مجدد موسیقی کودک را فراهم کند.

اعطای مدرک «کارشناسی علوم قرآن و حدیث»

به حافظان قرآن؛ آسیب‌ها و فرصت‌ها

احاطه و تسلط به ترجمه و مفاهیم قرآن نیز به همراه آن باشد، ایشان به کمک این عامل می‌توانند به خوبی رشد و ترقی کنند.

البته شاید بتوان گفت مهم‌ترین ابزار مؤثر در رشد و پیشرفت این گروه، انگیزه و هدف ایشان از انتخاب این مسیر است؛ بی‌شک حافظانی که به سبب علاقه و اشتیاق خود و نیز احساس نیاز به مباحث این رشته، وارد دانشگاه‌ها می‌شوند، امکان پیشرفت بسیار بیشتری خواهند داشت و با تلاش و همت و مطالعات، آفرزون خود می‌توانند در مدت زمان کمتری به رشد چشمگیری برسند؛ نیز می‌توان ادعان داشت این جهش تحصیلی و صرفه‌جویی در زمان به نوعی می‌تواند زمینه ورود ایشان را پس از فراغ تحصیلی در سایر رشته‌های تحصیلی ایجاد کند و با آنکه سریع‌تر در مشاغل مدنظر خویش، مشغول به کار شوند.

از طرفی ورود حافظان از این طریق به عرصه دانشگاه، از مزایای مثبتی را نیز برآفرادی که با آنها در تعاملند می‌گذارد و به‌عنوان کنشگران فرهنگی می‌توانند محرک و مشوق دیگران برای حفظ قرآن باشند.

■ باید‌ها و ناپیدها

انتخاب این مسیر از سوی حافظان باید با دیدی باز و سنجش تمام جوانب، صورت گیرد در این خاطر که عدم شرایط مذکور، آسیب‌هایی را در پی خواهد داشت. برای مثال برخی حافظان نوجوان به‌منظور برخورداری از امتیاز جهش تحصیلی، دروس مدرسه را رها کرده تا در مسیر آمادگی برای آزمون ارشد قرار گیرند اما چنانچه موفق به قبولی در مراحل ورود به دانشگاه از طریق حفظ نشوند، برای بازگشت به مدرسه و ادامه تحصیل از گذر طبیعی، ممکن است انگیزه خود را از دست بدهند چراکه با ترک مدرسه، از همسالان خود عقب افتاده‌اند و آن دسته از دانش‌آموزانی که پس از حافظ شدن با ناپایده گرفتن توانایی‌ها و استعداد‌های خود، به‌صرف تأثیرپذیری از محیط و موقعیت‌شان، به این شیوه تحصیل رو آورده و اسباب ورود آنها به رشته‌هایی که در آن از توانمندی بیشتری برخوردارند و چه‌ساز در آن زمینه‌ها موفق‌تر عمل کنند، فراهم نمی‌شود.

موضوع درخور توجه دیگر در رابطه با این گروه، دیدگاه سردی مردم جامعه و حتی نگرش برخی اساتید و دانشجویان است که غالباً اعتبار چندانی برای مدرک این گروه قائل نبوده و با تصور اینکه حافظان بدون شرکت در کنکور یا با واسطه سهمیه، بدون شرکت علمی، مدرک خود را دریافت کرده‌اند، تمام تلاش و زحمات آنان را نادیده می‌گیرند در حالی که، این دسته از حافظان، در کنکور هیچ سهمیه‌ای نداشته و تنها امتیاز آنها امکان شرکت در منابع آزمون ارشد را مطالعه کرده و در شرایط یکسانی با دیگر داوطلبان رقابت کنند. افزون بر آن مطالعه منابع ارشد در طی دوماه تیره‌ای در کنکور شرکت می‌کنند، باعث تثبیت و پختگی بیشتر مطالب برای ایشان خواهد شد.

گفتنی است مراحل ورود به دانشگاه از این طریق نیز، چندان که به‌نظر می‌رسد سهل و هموار نیست و تعداد محدودی از حافظان موفق به قبولی در آزمون‌های مربوطه و ورود به دانشگاه از این گذر می‌شوند که این مطلب، خود گواهی بر مدعایی است که بیان شد.

افزون بر آنچه گفته شد، باید توجه داشت هر ساله تعداد قابل توجهی از دانشجویان رشته‌های غیر مرتبط نیز وارد مقطع ارشد رشته علوم قرآن و حدیث می‌شوند که در یک مقایسه کلی بین حافظان و دانشجویان غیر مرتبط می‌توان گفت دانشجویان غیر مرتبط گرچه دارای مدرک لیسانس از طریق تحصیلات دانشگاهی هستند، اما چهار سال در رشته‌هایی متمایز از الهیات درس خوانده‌اند. در مقابل، حافظان با دروس حوزه علوم قرآن و حدیث، آشنایی و مؤاسست بیشتری دارند، بدان جهت که در دوره، نمی‌توانند موانع اثربخشی مثبت کنکور ارشد، زمانی را برای فراگیری دروس دوره کارشناسی رشته فوق‌الذکر گذرانده‌اند.

در برابر گروهی که گفته شد چندان باعطای مدرک به حافظان موافق نیستند، گروه قابل توجهی نیز دیدگاهی مثبت و مشوقانه نسبت به این دانشجویان دارند که پشتیبانی و تشویق ایشان در ایجاد اعتماد به نفس و حفظ روحیه تلاشگرانه دانشجویان حافظ بسیی تأثیر گذار است.

با گذر از آنچه تا به اینجا بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که این قانون (اعطای مدرک کارشناسی علوم قرآن و حدیث به حافظان) با تمام آسیب‌ها و چالش‌هایی که دارد، نمی‌تواند مانع اثربخشی مثبت آن شود، در حالی که فرصت‌های سودبخشی بر پایه آن فراهم می‌آید و این دانشجویان نیز علاوه بر آنکه تا حدود زیادی برای ورود به مقطع ارشد آمادگی پیدا کرده و در سطح نسبتاً خوبی از سواد آگاهی هستند، می‌توانند با پشتکار و تلاش افزون – که برای کسانی که شیوه جهش تحصیلی را انتخاب می‌کنند، امری بایسته و ضروری است – در کسب اطلاعات و دانش و تجربه بیشتر، فرصت برابر رشد تحصیلی را برای خود ایجاد کرده و در مسیر موفقیت و کسب مدارج عالی قدم بگذارند.